



## آیا هیئت‌های نظارت در راستای بیانات رهبری عمل کرده‌اند؟



**منصور حقیقت‌پور:** خیر، این اعمال الان در آن راستا نیست و با شناختی که از دیدگاه‌های مقام معظم رهبری داریم، ایشان به این موضوع نگاه مثبت دارند و ما در رفتار هیئت نظارت این را نمی‌بینیم. به نظر می‌رسد که باید دقت بیشتری داشته باشند و فرصت بیشتری را به کاندیداها بدهند. در واقع نگاه باید نگاه اصلاحی باشد. الان شرایط اینگونه نیست و نگرانم که کلام مقام معظم رهبری روی زمین بماند و عملیاتی نشود و در این حالت به نظر می‌رسد، مردم ناراضی‌تر بشوند. در واقع مشارکت پایین موجب خواهد شد تا مردم چه در داخل و چه در خارج از کشور معترض شوند.



**سعید نورمحمدی:** هیئت‌های نظارت قطعاً در خلاف توصیه‌های رهبری عمل کرده‌اند. در حال حاضر جریان اصلاحات به دو دسته تقسیم شده‌اند: بخشی بعد از مطرح شدن مبحث پیش‌ثبت‌نام را تصمیم گرفتند و فضای انتخابات نشوند و پیش‌ثبت‌نام را انجام ندهند، بخشی که طیف راست جریان اصلاحات و از نیروهای میانه‌وتر بودند مانند کارگران، ندای ایرانیان

**منصور حقیقت‌پور:**  
**نگرانم کلام مقام معظم رهبری روی زمین بماند و عملیاتی نشود و در این حالت به نظر می‌رسد، مردم ناراضی‌تر بشوند. در واقع مشارکت پایین موجب خواهد شد تا مردم چه در داخل و چه در خارج از کشور معترض شوند.**

.....



## به نظر شما چه عواملی وجود دارد که باعث می‌شود هیئت‌های نظارت حتی درخواست‌های رهبری را هم به نظر می‌رسد نادیده می‌گیرند؟



**منصور حقیقت‌پور:** اختلاف شدید سلیقه و نگاه را در این موضوع مؤثر می‌دانم. نباید اینگونه باشد که یک نفر تنها با کارنامه ۲۰ بتواند تایید صلاحیت شود، ۱۸ و ۱۹ هم باید قبول شوند و این محدود کردن دایره را خیلی تنگ و محدود می‌کند و خیلی از آدم‌های آبرومند در این دوره به دلیل ترس از همین رصلاحیت شدن و ترس از آبرو، ثبت‌نام نکردند.



**سعید نورمحمدی:** رصلاحیت‌های این دوره که برخلاف نظر رهبری اتمانی افتاد دو دلیل اصلی دارد. دلیل اول همان بحث مربوط به وابستگی به مسیر است که در نهادگرایی تاریخی مطرح شده است. برخی رویه‌ها و شیوه‌ها تبدیل به عادت شده و نوعی وابستگی ایجاد می‌کند که خارج شدن از آن کار ساده‌ای نیست. یعنی با وجودی که در نهادهای شکل گرفته تأثیر منفی آن سیاست و شیوه را می‌بینند عملاً نمی‌توانند آن را رها کنند. رها شدن از آن عادت اجماع عمومی می‌خواهد. به همین دلیل است که مجریان انتخاباتی براساس عادت به همان شیوه عمل کردند. مسئله دوم هم تضاد منافع است. تایید صلاحیت بی‌طرفانه

**سعید نورمحمدی:**  
**تایید صلاحیت بی‌طرفانه کاندیداها منافع بخشی از کاندیداها و جریان‌های تندرو را به خطر می‌اندازد، به همین دلیل اعمال نفوذ می‌کنند و اجازه نمی‌دهند رقبا تایید صلاحیت شوند تا کاندیداها را اطمینان وارد مجلس شوند. از همین رو هیچ ریسکی را نمی‌پذیرند و افراد شناخته‌شده و شانس‌دار را با رچسب‌هایی مثل ضدولایت فقیه و نداشتن التزام عملی به اسلام رصلاحیت می‌کنند. متأسفانه اعضای شورای نگهبان هم متوجه این مسئله نیستند و با این افراد و جریان‌های هم‌راهی می‌کنند.**

.....



است که از احزاب تقاضا شود بازیکنان خود را وارد زمین فوتبال کنند در حالی که از ۱۱ نفر، ۹ نفر را رصلاحیت کنند. دیگر احزاب زمانی در زمین رقابت انتخابات می‌توانند وارد شوند که بازیکنی داشته باشند! اینکه با مشارکت حداقلی، انتظار نتیجه مشارکت حداکثری را دارند. نمی‌توان به طور دقیق درباره عوامل صحبت کرد اما هر آنچه که هست متأسفانه روند رو به انتخابات مجلس دوازدهم حاکی از این است که نظام حزبی در این انتخابات به هیچ گرفته شده است و متأسفانه دست‌اندرکاران هیئت‌های اجرایی اعم از وزیر کشور و هیئت‌های نظارت به رقابت و مشارکت باور ندارند. چراکه در صورت باور به این موضوع سلاقی غیر از خویش را از میدان خارج نمی‌کنند. ما به فضای رقابتی نیاز داریم که در آن سلاقی مختلفی حضور داشته باشند نه یک سلیقه مشخص. اگر تنها یک سلیقه وجود دارد اصلاً نیازی به برگزاری انتخابات رقابت نیست. انتخابات زمانی معنا و مفهوم پیدا می‌کند که دستگاه‌های نظارتی و اجرایی در راستای حضور احزاب و طیف‌های مختلف سیاسی تلاش کنند اما متأسفانه امروز شاهد آن هستیم که دستگاه‌های نظارتی و اجرایی برای ورود تنها یک گروه، یک حزب و یک اندیشه سیاسی تلاش می‌کنند.

کاندیداها منافع بخشی از کاندیداها و جریان‌های تندرو را به خطر می‌اندازد، به همین دلیل اعمال نفوذ می‌کنند و اجازه نمی‌دهند رقبا تایید صلاحیت شوند تا کاندیداها را اطمینان وارد مجلس شوند. از همین رو هیچ ریسکی را نمی‌پذیرند و افراد شناخته‌شده و شانس‌دار را با رچسب‌هایی مثل ضدولایت فقیه و نداشتن التزام عملی به اسلام رصلاحیت می‌کنند. متأسفانه اعضای شورای نگهبان هم متوجه این مسئله نیستند و با این افراد و جریان‌های هم‌راهی می‌کنند.

**جواد هروی:** تصور من این است که پیش از هر عاملی عبادان‌های که بتوان برای این موضوع در نظر گرفت، شاهد یک کج‌سلیقه‌ی هستیم. یعنی اقلیت حاکم تصور می‌کند که می‌تواند در سکوت احزاب و با مشارکت حداقلی به اهدافی که لازم یک نظام سیاسی مردمی است برسد و این یک اشتباه سیاسی است؛ به همین خاطر معتقدم دستگاه‌های نظارتی و اجرایی نباید به گونه‌ای عمل کنند که خودشان برای رشد رقابت هیچ اقدامی نکنند اما از احزاب، رقابت تمام‌عیار را طلب کنند. تعبیری که من می‌توانم برای این موضوع به کار ببرم همانند این

## با توجه به شرایط و آنچه رهبری درباره انتخابات برای افزایش مشارکت مطرح کرده بودند، چه رویکردهایی برای این منظور باید در پیش گرفت؟



**منصور حقیقت‌پور:** باید آسان‌تر برخورد شود و برخی از کسانی که رصلاحیت شده‌اند را مجدداً تایید کنند. از طرفی دولت نیز باید اقداماتی را انجام دهد؛ هر چند که بعد است بتواند کار فوق‌العاده‌ای انجام دهد اما اگر دولت هم کاری کند تا دل مردم به دست بیاید و پاره‌ای از مشکلات مردم را بتوانند حل کنند، شاید بتوانند موجب حضور در انتخابات را بیشتر فراهم کنند.



**سعید نورمحمدی:** مسئولین و جریان‌ها برای افزایش مشارکت باید دو اقدام مهم را انجام دهند: موضوع اول، توجه به تأکیدات رهبری برای رقابت و حضور در انتخابات است. اینکه همه طیف‌ها و گروه‌ها حضور داشته باشند و همه

مردم احساس کنند در این انتخابات کاندیدایی دارند که می‌توانند نماینده آن‌ها باشند. البته با مسئله پیش‌ثبت‌نام که خیلی از افراد ثبت‌نام نکرده بودند تا حدی رقابت کاهش پیدا کرده بود اما همان حداقلی که امکان حضور داشت نیز مورد تحمل دوستان قرار نگرفت. مسئله رقابت می‌تواند باعث افزایش مشارکت مردم شود اما مهم‌تر از آن، ایجاد امید و پیام دادن به جامعه است که رای آن‌ها مؤثر است. الان بخشی از جامعه که عمدتاً طیف‌های تحصیلکرده و طبقه متوسط جامعه هستند، به این دلیل از صندوق رای رای روی گردانند که احساس می‌کنند رای دادن آن‌ها بی‌نتیجه است و حتی اگر مجلس صد درصد مخالف وضع موجود هم شکل بگیرد، دستگاه‌هایی هستند که آن مجلس را از کارآمدی و تأثیرگذاری می‌اندازند. باید این پیام به جامعه داده شود که رای شما مهم است و سیاست‌های کلی کشور براساس

رایه که مردم داده‌اند، تعیین می‌شود و به نوعی به رای مردم دهن کجی نشود. این عوامل موثری هستند که حتماً می‌توانند به افزایش مشارکت منجر شوند.

**حمیدرضا ترقی:** برای افزایش مشارکت در انتخابات راه‌های متعددی وجود دارد: از جمله، بسیج عمومی برای تبیین و تبلیغ انتخابات توسط احزاب و شهرداری‌ها، شروع تبلیغات صدواوسیما یا شبکه‌های استانی جدید و گشایش در وضع اقتصادی مردم توسط دولت.

**جواد هروی:** اگر همین نکاتی که در فرمایشات رهبری وجود داشت، مورد توجه قرار می‌گرفت از این بین‌سست سیاسی و دلسردی مردم می‌توانستیم خارج شویم.

## فضای کلی انتخاباتی را با توجه به مدت‌زمان باقی‌مانده تا زمان برگزاری انتخابات مجلس دوازدهم چطور ارزیابی می‌کنید؟



**منصور حقیقت‌پور:** فضا سرد و یخ‌زده است. فکر نمی‌کنم انتخابات گرمی داشته باشیم، به جز برخی از مناطق که قومی و محلی مشارکت می‌کنند فضا گرم خواهد شد اما در مراکز استان‌ها و کلانشهرها فضا سرد است. در حالی که به مصلحت ما است که فضای انتخاباتی گرم شود و این به نفع امنیت و منافع ملی ما است که تعداد بیشتری از مردم در انتخابات مشارکت کنند.



**سعید نورمحمدی:** واقعیت این است که در این مدت باقی‌مانده و با ادامه این وضعیت تغییری در شرایط کلی و مشارکت مردم در انتخابات رخ نخواهد داد. دلیل آن نیز این است که اراده‌ای برای افزایش مشارکت وجود ندارد. درست است که رهبری انقلاب بر آن تأکید کردند اما ایشان در تأکید بر رویکردهای کلی

**حمیدرضا ترقی:**  
**زمینه برای یک جهش انتخاباتی فراهم شده و به محض شروع شدن می‌تواند تحرک خوبی را به وجود آورد**

.....

تنها هستند و جریان‌هایی در کشور داریم که به دنبال آن هستند که مشارکت کاهش یابد و مشارکت بالا را به نفع جریان خود نمی‌بینند و آن طیف، دست بالا را در کشور دارند. این گروه با رفتارهایی که می‌کنند این پیام را به جامعه می‌دهند که لزومی برای حضور آن‌ها در پای صندوق‌های رای نیست و دقیقاً این اقدام طیف تندرو اصولگرا است. در واقع این گروه از سردی فضای موجود سود می‌برند. می‌توانید با مقایسه آماری مجلس نهم، دهم و یازدهم به این نتیجه برسید. فردی که در انتخابات مجلس دهم با ۸۴۰ هزار رای در تهران نفر ۳۲ لیست تهران شده بود در انتخابات مجلس یازدهم با ۸۲۰ هزار رای و کاهش ۲۰ هزار تایی رای نفر سوم تهران شد و طبیعی است که کاهش مشارکت به نفع آن‌هاست و حتماً به دنبال آن خواهند بود که مشارکت بالا رخ ندهد و دستگاه‌ها، تلاش برای کاهش مشارکت را نباید در جریان اصلاحات جست‌وجو کنند، در حال حاضر ریشه این

خواسته در جریان اصولگرایان است.

**حمیدرضا ترقی:** هنوز فضای کشور به‌خاطر مسائل غزه و حادثه تروریستی کرمان انتخاباتی نیست اما زمینه برای یک جهش انتخاباتی فراهم شده و به محض شروع شدن می‌تواند تحرک خوبی را به‌وجود آورد.

**جواد هروی:** اگر بخوایم واقع‌بینانه سخن بگوییم و از کف جامعه حرف بزنیم، وضعیت در حال حاضر اصلاً قابل قبول نیست. اما اگر وضعیت متفاوت شد و باور به دیدگاه حزبی و رقابت مشارکتی فراهم شد و صلاحیت‌ها بازگردند و بسیاری از رقبا در صحنه حضور پیدا کنند، شاید بتوان به حضور مردم امیدوار بود. در غیر این صورت نباید خودمان را گول بزنیم و با یک اقلیت حاکم که اعتقادی به رقابت ندارند، انتظار رقابت داشته باشیم.



## هشدار حجاریان به رانت سنتی

سعید حجاریان، فعال سیاسی در پاسخ به سخنان محمدرضا باهنر درباره صلاحیت او برای حضور در مجلس نوشت: «اخیراً از آقای محمدرضا باهنر، دبیرکل جامعه اسلامی مهندسی نقل شده است که «حجاریان و علوی‌تبار که از گزیننده خیابان حرف می‌زنند، حتماً صلاحیتی برای حضور در مجلس ندارند». بنده، تا به حال به احترام اخوی ایشان، شهید باهنر، که مدتی به‌عنوان نخست‌وزیر ریاستی بر من داشتند، نسبت به این قبیل حرف‌های آقای مهندس باهنر واکنشی نشان نداده‌ام. اما این بار حرف ایشان به‌نظر عجیب آمد.» وی در ادامه افزود: «اولاً، من برای انتخابات -به‌شرط وجود- ثبت‌نام نکرده‌ام که صلاحیت‌ام در معرض تأیید یا رد قرار بگیرد. ثانیاً، کسر شأن خود می‌دانم که در این انتخابات [...] شرکت کنم. ثالثاً، و از همه مهم‌تر این که من طبق قانون انتخابات اساساً فاقد صلاحیت نمایندگی هستم آن هم نه به‌دلیل سیاسی، بلکه به دلیل ذیل ماده ۳۱ قانون انتخابات که بیان می‌دارد نمایندگان باید از سلامت جسمی برای انجام وظایف نمایندگی برخوردار باشند و من، حدود ۲۴ سال است که فاقد چنین شرطی هستم. فی‌الواقع می‌خواهم بگویم هم‌فکران [برخی] ترور می‌کنند و بعد، از افراد سلب کرد: «باری، من تعجب می‌کنم از کسی که در رشته مهندسی تحصیل و سال‌ها کار سیاسی کرده است و این امور بدیهی را نمی‌داند و به‌جای پرداختن به امر سیاست به اموری متشبه می‌شود که قابل اندازه‌گیری نیست. مثلاً فرموده‌اند من طرفدار خیابان هستم، حال آن‌که من تصریح کرده‌ام بین انتخابات و خیابان منازل زیادی وجود دارد که نوبت به خیابان نمی‌رسد. سخن پایانی من با آقای باهنر این است که گروه‌های سنتی سیاسی جناح راست، اینک در معرض جریان‌هایی قرار دارند که خود را سوپر انقلابی می‌دانند؛ جریان‌هایی که به‌مرور دسترسی گروه‌های سنتی را به سیاست و اقتصاد مسدود خواهند کرد. لذا بهتر است ایشان به‌جای آن که تلاش خود را مصروف اصلاح طلبان کنند فکری به‌حال جریان سنتی اصول‌گرا کنند که عن‌قرب از صحنه روزگار حذف خواهند شد. شاید روزی به شما نیز بگویند فاقد صلاحیت هستید چنان‌که آقای لاریجانی به این سرنوشت دچار شد.»



## تبدیل حکم زندان دبیرکل سازمان معلمان ایران

ظاهره نقی‌ئی، دبیرکل سازمان معلمان ایران که صبح شنبه ۲۳ دی‌ماه جهت اجرای حکم ۹۱ روزه حبس خود به زندان اوین مراجعه کرده بود با قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام، مشمول مرخصی متصل به آزادی شد. با توجه به حکم صادره بدوی ایشان که در تجدیدنظر تأیید شده بود پیشتر به‌عنوان یکی از موارد حکم، مبلغ ۱۲ میلیون تومان جریمه نقدی پرداخت کرده بودند که بعد از اعاده دادرسی از طریق دیوان و ارجاع به شعبه هم‌عرض (۵۴) حکم قبلی شکست و حکم محکومیت ۹۱ روز حبس صادر شد که در مراجعه برای اجرا پس از محاسبه جریمه پرداخت شده و کسر از مدت حبس، ۴۲ روز از حبس برای ایشان باقی ماند و با لحاظ مواد ۲۱۷، ۲۲۵ و ۲۵۰ قانون آیین دادرسی کیفری با قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام مشمول مرخصی متصل به آزادی شد.